

نشریه علمی - پژوهشی

پژوهشنامه ادبیات تعلیمی

سال نهم، شماره سی و سوم، بهار ۱۳۹۶، ص ۲۰۰-۱۷۳

رگه‌های تعلیمی در شعر دفاع مقدس (دهه ۶۰)

دکتر نواز الله فرهادی *

چکیده

از پیامدهای فرهنگی انقلاب اسلامی اشاعه فرهنگ دینی است. با وقوع جنگ و استمرار هشت سال دفاع مقدس، مضامین دینی و مذهبی، همچون غزوات صدر اسلام، جنگ‌های امام علی (ع) با معاندان در دوران خلافت آن حضرت و به‌ویژه حماسه خونین کربلا، در شعر انقلاب و دفاع مقدس بازتاب گسترده‌ای می‌یابد؛ به‌گونه‌ای که این مباحث مهم‌ترین درون‌مایه‌ها و یکی از بارزترین ویژگی‌های آن را تشکیل می‌دهد. این موضوع بُعد تعلیمی سروده‌های مورد بحث را بر پایه مبانی دین و تعالیم قرآن کریم تقویت می‌کند. به سبب شور و هیجان اشعار انقلابی، جنبه تعلیمی آن تحت‌الشعاع قرار می‌گیرد و گاه از دید خواننده پنهان می‌ماند. در این نوشتار لایه‌های پنهان و پیدای تعلیمی و رگه‌های آموزشی در سروده‌های انقلاب و دفاع مقدس واکاوی می‌گردد تا نمایان شود که سراینده‌گان برای ترویج اصول اخلاقی و برانگیختن خوانندگان به پیروی از ارزش‌های اسلامی و انسانی از چه مضامینی بهره گرفته‌اند.

* استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه فرهنگیان، پردیس شهید رجایی شیراز farhadi.na.827@gmail.com

تاریخ پذیرش ۱۳۹۵/۱۲/۲۲

تاریخ وصول ۱۳۹۵/۸/۳

واژه‌های کلیدی

شعر تعلیمی، انقلاب اسلامی، ایثار و آزادگی، دفاع مقدس

۱- مقدمه

فرهنگ درخشان ایرانی - اسلامی فرهیختگان و فرزنانگان فراوانی را در دامن خود پرورده است؛ در علم اخلاق و ادبیات تعلیمی نیز برجستگان و بزرگانی داشته‌ایم که آثار برجای مانده از ایشان، نبوغ و نخبگی آنان را در انسان‌شناسی، روان‌شناسی، جامعه‌شناسی و امر خطیر و ظریف تعلیم و تربیت، به‌خوبی اثبات می‌کند. برخی از این بزرگان دانش‌ها و مهارت‌های یادشده را با ذوق هنری و قریحه سخن‌آوری خویش درآمیخته و بدین وسیله آثاری ارزشمند و انسانی برای همه انسان‌ها در تمام اعصار و مکان‌ها از خود به یادگار نهاده‌اند.

ورود آموزش و تعلیم به شعر و هنر مانند هر موضوع دیگر در ادواری از تاریخ و فرهنگ رو به فزونی می‌نهد که اخلاق و ارزش‌های انسانی و اجتماعی کاهش یابد؛ در چنین شرایطی شاعر و هنرمند به‌منظور بازآفرینی جامعه ایده‌آل در آثار هنری (آرمان‌شهر) خود و بر حسب مسئولیت ارشادی و اصلاحی و رسالت اجتماعی خویش برای مقابله با عواملی که مبانی معنوی و اخلاقی جامعه را تهدید می‌کنند، با هنر خود به راهنمایی و اندرز مخاطبان می‌پردازد و بدین ترتیب هنر تعلیمی در دوره‌هایی که جامعه نیاز و اقبال بیشتری به آن دارد، گسترش بیشتری پیدا می‌کند. آوردن موعظه و حکمت و نصیحت در شعر فارسی از اوایل قرن چهارم هجری آغاز شد و شاعران، این نوع شعر را با قطعه‌های کوتاه آغاز کردند. ظاهراً نخستین شاعری که بر سرودن قصیده‌های حکمی و تعلیمی همت گماشت، کسایی مروزی بود که روش وی را ناصر خسرو قبادیانی در آثار و منظومه‌های خود ادامه داد. از اوایل قرن ششم هجری،

سنایی غزنوی باب جدیدی را در سرودن اشعار حکیمانه و عارفانه باز می‌کند. وی مفاهیم و معانی حکیمانه و عارفانه را با اندرز و نصیحت در هم آمیخته و وارد آثار خود به خصوص مثنوی‌های خویش می‌کند. موفقیت وی در اشعار موعظه‌گونه و حکیمانه باعث می‌گردد تا در اواخر قرن ششم، اشعار موعظه و تحقیق وی مورد استقبال گروه زیادی از شاعران از جمله جمال‌الدین اصفهانی، قوامی رازی، خاقانی شروانی، نظامی و انوری واقع شود. پس از آن نیز در قرن هفتم هجری، بزرگ‌ترین شاعر اخلاقی و اجتماعی ایران، سعدی شیرازی، که آثار وی مشحون از پندیات و نصایح و مواعظ است، ظهور می‌کند و تا آنجا توفیق می‌یابد که آثار او مدت‌ها مورد تقلید و پیروی استادان سخن قرار می‌گیرد (یلمه‌ها، ۱۳۹۰: ۱۵۵).

بی‌گمان رواج فسق و فجور و فساد در برخی از دربارها و سلسله‌های حاکم مانند غزنویان و سلجوقیان نیز در برانگیختن و مصمم ساختن ادیبان و مصلحان جامعه به انجام وظیفه اجتماعی و انسانی خود و فریضة دینی «امر به معروف و نهی از منکر» و در نتیجه رشد و گسترش ادب تعلیمی و توسعه و اشاعه حکمت و اندرز و اخلاق در انواع و اقسام آثار هنری و ادبی بی‌تأثیر نبوده است.

پس از استقرار نظام اسلامی (بهمن ۵۷) با آن که در اثر اداره جامعه با رویکرد دینی و مذهبی و حوادثی چون دفاع مقدس که یادآور جنگ‌های نابرابر و غزوات تاریخی انبیای الهی با منکران و جهادهای مسلمین صدر اسلام و حماسه کربلا بود، آموزه‌های دینی و مذهبی در جامعه و به تبع آن در ادبیات این دوره رو به فزونی نهاد، بعد حماسی و غنایی شعر این دوره چنان اوج گرفت و جنبه‌های تعلیمی آن را تحت الشعاع قرار داد که نه تنها خوانندگان معمولی بلکه اغلب منتقدان و صاحب‌نظران هم از بعد تعلیمی این سروده‌ها غافل شده یا آن را نادیده گرفتند. از این رو در اظهارات کسانی چون یاحقی، محدثی، امیری خراسانی، شفیع‌ی کدکنی، سنگری و ... هیچ اشاره

مستقیمی به جنبه‌های تعلیمی این سروده‌ها به چشم نمی‌خورد؛ مثلاً، محدثی می‌گوید: «در دوره پس از انقلاب محتوای این سروده‌ها را سه موضوع متنوع و گسترده دربرمی‌گیرد: معرفی و ستایش رشادت‌ها و دلاوری‌های رزمندگان اسلام، دعوت به مبارزه و قیام، ایستادگی در برابر بیداد» (محدثی، ۱۳۸۸: ۱۳۸).

سنگری اظهار می‌دارد: «در سروده‌های آغازین دفاع مقدس یاد شهیدان با دعوت به حرکت و خیزش و جهاد همراه است. شاعر پس از تجلیل و تکریم شهید، بی‌هیچ درنگی پل به سوی راهی که نیمه‌تمام مانده، می‌بندد و خود و دیگران را به تداوم راه دعوت می‌کند. این بیان در سروده‌های سال ۶۵ تا ۷۴ لحنی تند، سرزنش‌آلود و اعتراض‌گونه دارد اما در سروده‌های آغازین، رجزگونه و برانگیزاننده، همراه با اندوهی نرم و پنهان در آوندهای شعر است» (سنگری، ۱۳۸۰: ۵۱).

علاوه بر «شعر آیینی و تأثیر آن بر انقلاب اسلامی» اثر زهرا محدثی که در آن اشعار آیینی پارسی و تازی معرفی شده و جایگاه سروده‌های نبوی، علوی، رضوی، مهدوی و ... به ویژه پس از انقلاب بررسی گردیده است و «نقد و بررسی ادبیات دفاع مقدس» به قلم محمدرضا سنگری که در سه جلد به‌طور مبسوط جنبه‌های گوناگونی از شعر دفاع مقدس را بررسی و شناسایی می‌کند، تحقیقات ارزنده دیگری نیز در خصوص این اشعار به رشته تحریر درآمده است که به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود:

- ترابی، ضیاءالدین. (۱۳۸۱). **شکوه شقایق**. قم: مؤسسه فرهنگی سما. نویسنده در این اثر به بررسی سروده‌های سرایندهگان مطرح در حوزه شعر دفاع مقدس از جهت زبان، عاطفه، اندیشه و محتوا در دو بخش چهار فصلی پرداخته است.

- قاسمی، حسن. (۱۳۸۱). **صور خیال در شعر مقاومت**. تهران: فرهنگ گستر. این اثر مشتمل بر شش فصل است که طی آن به صور خیال، قالب‌های شعری و مختصری هم در باب جنبه‌های حماسی سروده‌های مقاومت به ویژه اشعار دفاع مقدس پرداخته

شده است.

- مکارمی‌نیا، علی. (۱۳۸۳). **بررسی شعر دفاع مقدس**. تهران: ترفند. در این اثر علاوه بر وزن، قالب، زبان و صور خیال، به زیربنای فکری و فلسفی اشعار دفاع مقدس نیز اشاراتی شده است.
 - کافی، غلامرضا. (۱۳۸۱). **دستی بر آتش**. شیراز: نوید. در این اثر مفاهیم اسلامی در شعر دفاع مقدس بیش از مباحث دیگر در کانون توجه نویسنده بوده است.
 - امیری خراسانی، احمد. (۱۳۸۷). **نامه پایداری**. تهران: بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس. این مجموعه مقالات اولین کنگره ادبیات پایداری را در بر دارد که از میان مجموع ۳۷ مقاله، ۱۴ مقاله اختصاص به ادب پایداری دارد.
 - ایزدی، رعنا. (۱۳۹۰). **بررسی محتوایی اشعار انقلاب اسلامی: (قیصر امین‌پور، محمدعلی معلم، حسن حسینی، حمید سبزواری)**، یاسوج: دانشگاه آزاد اسلامی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد به راهنمایی نواز الله فرهادی. در این پایان‌نامه موضوعات مهم و پرکاربرد در مجموعه سروده‌های شاعران یاد شده، مانند عشق، عرفان، ایثار و شهادت بررسی شده است.
- از تأمل در این تحقیقات و سروده‌های مورد بحث به خوبی می‌توان دریافت که رشته‌هایی از عبرت و آموزش و رگه‌هایی پیدا و پنهان از ادب تعلیمی با سبک و سیاق خاص خود در این سروده‌ها وجود دارد که سزاوار توجه و شایسته بحث و بررسی است. شاعران عصر انقلاب با الهام از تعالیم کلام خدا و سیره انبیا و اولیا، می‌کوشند روحيات دینی و معنوی را در خوانندگان تقویت کنند و آنان را به پیروی از سیره اهل بیت (س)، به ویژه سرور و سالار شهیدان و سرکوبی نفس و مبارزه با ضد ارزش‌ها و مقابله با دشمنان داخلی و خارجی اسلام و انقلاب تهییج و ترغیب نمایند. این شاعران در تهییجات و تشویقات خود و برای رسیدن به اهداف تعلیمی خویش از شیوه‌های

مختلفی بهره گرفته‌اند که در ادامه ضمن بررسی این شیوه‌ها، مضامین و دست‌مایه‌های معنوی سراینده‌گان نیز معرفی می‌شود.

۲- موضوعات اصلی تعلیم

شعر دفاع مقدس سراسر درس حماسه‌آفرینی و تاریخ‌سازی است. معاداندیشی و معنویت‌پیشگی در زیربنای فکری و اعتقادی رزمندگان (از جمله شاعران و هنرمندان دفاع مقدس) استواری و استحکام خلل‌ناپذیری دارد. از این رو در سلوک و رفتار آنان حاکی نهادی، اخلاص و اخلاق، دلاوری و از خودگذشتگی؛ و در پندار و عقایدشان آزادمنشی، بلندنظری، آرمان‌خواهی و ستم‌ستیزی موج می‌زند اما آنچه بخش کمابیش پوشیده آموزشی و رگه‌های ظریف و لطیف تعلیمی در این سروده‌ها را به خود اختصاص داده موضوعات محدود و مشخصی است که مهم‌ترین آن‌ها بدین شرح‌اند:

۱-۲- بی‌اعتباری دنیا: یادآوری بی‌اعتباری جهان و توصیه به ترک آن از دیرباز در اشعار فلسفی- تعلیمی گویندگان اندیشمند و ژرف‌نگر مورد تأکید قرار گرفته است. شاعران انقلاب هم گاه به‌طور مستقیم مخاطبان را به ترک دنیا و بی‌اعتنایی به جهان و تعلقات آن فرامی‌خوانند:

فکر ماندن مکن ای دوست در این منزل خاکی

که شهیدان همه رفتند چو مرغان هوایی

(محمدی، ۱۳۷۹: ۲۳۲)

ترک جهان و گذشتن از مال و منال آن به‌منظور نیل به آرمان، برای انسان‌های هدفمند و آرمان‌خواه همیشه یک اصل محسوب می‌شده؛ پس از انقلاب مشروطه «مأم وطن» و پاسداری از خاک پاک میهن- به‌عنوان یکی از مهم‌ترین آرمان‌ها- در شعر و نثر بازتاب گسترده‌ای می‌یابد اما بعد از انقلاب اسلامی و در بجهت جنگ تحمیلی

آرمان‌های برتر و والاتر از وطن هم مورد توجه قرار می‌گیرد. شهیدان مصداق بارز این نوع آرمان‌خواهی‌اند؛ چنان‌که شاعر در ابیات زیر با وصف حال شهدا مستقیماً از خوانندگان می‌خواهد که به اندیشه و آرمان بلند آنان با تأمل و به دیده عبرت بنگرند:

پرنندگان بهشتند بالشان نگرید به سینه تابش گل زخم خالشان نگرید
عجب مدار که از رقصشان جهان آشفته سیاه مست الستند حالشان نگرید
از آفتاب گذشتند آن فرشته‌وشان به کهکشان بلند خیالشان نگرید
(مرادی، ۱۳۶۵: ۲۲۰)

نمونه‌ای دیگر:

قتیل خنجر آن تشنه‌لب شهیدانیم که دل به بحر نهادند و ترک جو کردند
کبوتران سبک سیر سدره پیما را کسی ندید که با آب و دانه خو کردند
(سبزواری، ۱۳۶۸: ۴۰۹)

این آرمان‌ها چنان معنوی و ارجمندند و در روح و فکر و شعر جوانان و ادیبان، آن‌چنان وسیع و قوی تجلی می‌یابند که میهن‌را- با همه قداست و اهمیتش- تحت الشعاع قرار می‌دهند. گذشتن از وطن که در قطعه زیر مطرح شده است، علاوه بر این که به منظور صیانت از خود وطن و دفاع از تمامیت ارضی میهن صورت گرفته و وطن‌خواهی را به‌عنوان یکی از آرمان‌ها و ارزش‌های اخلاقی و انسانی یادآوری می‌کند، آرمان و انگیزه‌های دیگر و معنوی‌تری را نیز به خواننده آموزش می‌دهد:

اینجا هرچند وطن ماست / اما بدان که قصد اقامت نکرده‌ایم / باید نماز قصر بخوانیم /
زیرا مسافریم اینجا / باید به خون خویش وضو کرد / یا با خاک خون گرفته تیمم کرد /
برخیز تا نماز بخوانیم / جای نماز عشق همین جاست / وقت نماز مرگ بر آمریکاست ...
(امین‌پور، ۱۳۷۸: ۱۲۹).

قطعه زیر نیز به همین مطلب اشاره دارد با این تفاوت که رنگ دینی و بعد تعلیمی و توصیه آموزشی آن قوی‌تر و آشکارتر است:

ماندن به هر طریق / پرسش بی‌رحمی است / بزرگان «نه» را برمی‌گزینند / و حقیران -
 به خواری- تن به «آری» می‌دهند / باری پسند خاطر چون تو یاری / باید پسند اولیای
 خدا باشد / محمد (ص) گفت: نه! / و پر جبرئیل آتش گرفت / و عیسی و موسی و نوح و
 روح / هر یک به گونه‌ای (حسینی، ۱۳۸۷: ۶۲)

منظور از «نه» گفتن بزرگان و پیامبران و اولیاءالله، در برابر «آری» گفتن حقیران، زیر
 پا گذاشتن نفس و جواب رد دادن به خواسته‌های نفسانی مبنی بر ماندن حقارت‌بار در
 دنیا و تعلق خاطر داشتن به حطام آن است که زمینه «گذشتن از خود» را فراهم می‌سازد
 و به دیگر سخن، تکوین و اکمال آن «از خود گذشتگی» است.

حسن حسینی، شاعر انقلاب و جنگ، «از خود گذشتن» را به‌عنوان نخستین شرط
 رستگاری به مخاطب توصیه می‌کند:

بزن زخم، این مرهم عاشق است	که بی‌زخم مردن غم عاشق است ^۱
بیا اولین شرط را تن دهیم	بیا تن به «از خود گذشتن» دهیم ^۲

(همان: ۴۱)

در ابیات زیر پیوند میان ترک دنیا و مفهوم «انتظار امام عصر (عج)» و تأویل و تعبیر
 شاعر در این زمینه درخور توجه است:

حجه بن الحسن ای صاحب این خانه بیا	که به خاک قدمت بوسه زند چشم ترم
رشته علقه بریدم ز جهان تا که مگر	به جمال ملکوتی تو افتد نظرم
کربلا اهل ولا راست چه باکم ز بلاست	من بر آنم که دهم جان و بلایت بخرم

(سیف، ۱۳۷۸: ۱۶)

تعلیم و تنبهاات قیصر امین‌پور مبنی بر ترک کامل دنیا از طریق ترک خودخواهی و
 غلبه بر وسوسه‌های نفس شرور و بالاخره گذشتن از شط خون نیز قابل تأمل است؛ در
 واقع او با مقابل هم قرار دادن این دو مقوله (وسوسه‌های نفس و از خود گذشتگی) بر
 یادآوری و آموزش این نکته پافشاری می‌کند که تنها مانع یا سخت‌ترین عقبه در راه

انسان برای رسیدن به کمال و از خودگذشتگی، دیو خودخواهی و وسوسه‌های نفسانی است:

درون سینۀ من دیو کور خودخواهی به بانگ فاجعه تا نفخ صور می‌خواند
برادران من از شط خون گذر کردند مرا دریغ که نفس شرور می‌خواند^۳
(امین‌پور، ۱۳۷۸: ۱۶۱)

۲-۲- توصیه به دینداری و تقویت ایمان: مجهز شدن به جوشن تکبیر و سلاح دین و ایمان و قرآن در برابر جهان‌خواران و تجهیزات و تجملات مدرن آنان یکی دیگر از مسائل تأکیدشدنی و مطرح در این بخش از اشعار تعلیمی دفاع مقدس است:

بکش شمشیر ایمان را بزن راه پلیدان را به چنگال جهان‌خواران فروکن خنجری دیگر
(حسینی، ۱۳۸۷: ۹)

بر تن روین نباشد تیغ چوبین کارگر ای که داری جوشن تکبیر بر پیکر به پیش
(مردانی، ۱۳۷۴: ۱۸۳)

با شوق رفتن سوی خط سرخ توحید در تن لباس سبز ایمان کن دلاور
در پاسداری از حریم پاک قرآن فرزند و زن را هم نگهبان کن دلاور
بی‌هیچ ترسی در نبرد حق و باطل با حربۀ دین حمله آسان کن دلاور
در رزم و بیداری ز پا یک لحظه منشین در خلوت شب میل قرآن کن دلاور
(محمدی، ۱۳۷۹: ۳۰۲)

۲-۳- دعوت به جهاد: ترغیب و دعوت به جهاد و پیوستن به صفوف هابیلیان از دیگر موضوعات رایج در این دسته از سروده‌های دفاع مقدس است:

الا، قبیلۀ هابیل دادخواه آمد به پا خیز و به میدان درا، پناه آمد
خبر دهید به آوارگان کهف و رقیم به پا شوند به آیین پاک ابراهیم
(سبزواری، ۱۳۶۸: ۹۵)

شاعر دفاع مقدس اهداف بلند معنوی و آرمان‌های فراج جهانی جهاد را خوب می‌شناسد و از همین روی در ترغیب مخاطب به جهاد، از اندیشه‌های والا و اهداف بلند منضم به آن با شور و شعور سخن به میان می‌آورد:

به هم صدایی هم مؤمنانه برخیزید	به موج خیز خطر زین میانه برخیزید
سلاح سرخ شهادت دوباره برگزید	به عزم فتح زمین و زمانه برخیزید
به شوق بستن قامت به وعده‌گاه حضور	به بانگ ناب امام زمانه برخیزید
به خویش خواندگان خاک کربلای حسین	به شوق بوسه بر آن آستانه برخیزید

(محمودی، ۱۳۶۴: ۳۹)

تفسیر سبزواری از جهاد و پیوند زدن آن با توحید و اتحاد از شواهد جالب توجه در این زمینه است:

توحید که مکتب رشاد من و توست	تفسیر جهاد و اتحاد من و توست
هشدار که در پرده الحاد و نفاق	دامی ز برای انقیاد من و توست

(سبزواری، ۱۳۶۸: ۴۸۲)

آنگاه راه رسیدن به توحید را با تکیه بر روایت معروف «من عرف نفسه فقد عرف ربه» توضیح و آموزش می‌دهد:

مردان خدا که جای خود را بینند	از دردکشی دوی خود را بینند
چشم از همه ماسوا به خود دوخته‌اند	در خود نگری خدای خود را بینند

(سبزواری، ۱۳۶۸: ۴۹۴)

و در جایی دیگر این موضوع را در قالب توضیح بیشتر از اندیشه‌های مردان خدا و خودآگاهان و بیان اوصاف ایشان به خواننده آموزش می‌دهد:

خودآگاهان که ز خون گلو وضو کردند	حیات را ز دم تیغ جست و جو کردند
دل شکسته ^۵ به میقات دوست آوردند	درستی سفر عشق آرزو کردند...

(همان: ۴۰۸)

۳- شیوه‌های طرح تعلیم

۳-۱- آموزش مستقیم

در این شیوه از سروده‌های دفاع مقدس شاعر با بهره‌گیری از آموزه‌های دینی و با تکیه بر ارزش‌های فرهنگ بومی به‌طور مستقیم خواننده را به معروف و مطلوب برمی‌انگیزد و از منکر بازمی‌دارد. نشانه ساختاری و ویژگی دستوری این نوع اشعار، کاربرد افعال امر و نهی و جملات انشایی (امری) است. اغلب شواهد نقل شده در بند پیشین برای موضوعات مختلف تعلیمی از این دستند که از تکرار آن‌ها خودداری و به نقل شاهدهی دیگر این زمینه بسنده می‌شود:

ای مرد به پای جان چرا زنجیر است؟ امروز گسل زود که فردا دیر است
در سایه عافیت نشستن تا چند؟ فردوس به زیر سایه شمشیر است
(محمودی، ۱۳۶۴: ۶۱)

۳-۲- آموزش غیرمستقیم

پیشرفت دانش به ویژه یافته‌های جدید در حوزه علوم انسانی و افزایش تعاملات میان‌رشته‌ای، آثار نمایانی در ادبیات و هنر معاصر بر جای نهاده است. رشد دانش مشاوره و روان‌شناسی همان‌گونه که تأکید استادان این فن ظریف را به پرهیز از آموزش مستقیم (در حد امکان) و بهره‌گیری از روش‌هایی چون بازی، سیاحت، نمایش و... در مراکز تعلیم و تربیت در پی داشته است، در ادبیات تعلیمی امروز نیز به گسترش رویکرد غیرمستقیم انجامیده است. برای مثال یکی از بارزترین ویژگی‌های داستان‌نویسی نوین بر خلاف حکایات و داستان‌های آموزنده کهن، نپرداختن نویسنده به پیام‌های پندآموز اثر و محدود نکردن پایان‌بند داستان به چند آموزش و اندرز برآمده از سرنوشت شخصیت‌هاست. این رویکرد در اشعار سرایندهگان معاصر از جمله دفاع مقدس نیز فراوانی قابل توجهی دارد و در این سروده‌ها به دو شیوه زیر بازتاب می‌یابد:

۳-۲-۱- تعلیم و تشویق در قالب شرح احوال و بیان رفتار خود (من و ما): در

این روش شاعر به طور غیرمستقیم و با بیان اعمال و کردار خود و موضع‌گیری‌هایش در موقعیت‌های مختلف و در واقع الگو قرار دادن خویش، به تعلیم و آموزش مخاطبان می‌پردازد. نشانه ساختاری و بیرونی این نوع تعلیمات، استفاده از «من» و «ما» در جایگاه مسندالیه و گروه نهادی و بهره‌گیری از افعال و ضمائر اول شخص مفرد و جمع در جملات است؛ مانند این شعر از شاعری روشنگر نام:

ما ز فرط شوق دیدار عزیزان حسین	تا دیار نینوا با پا نه با سر می‌رویم
تا علم‌های حسینی را که افتاده به خاک	برفرازیم این زمان یک بار دیگر می‌رویم
همچنان عباس، همان شیر ژیان کربلا	پا برهنه، بی‌زره، بی‌خود و مغفر می‌رویم
تا رسانیم آب از نهر فرات و علقمه	بر گلوی خشک و خون‌آلود اصغر می‌رویم

(خامه خونین، ۱۳۶۸: ۱۹۵)

ملاحظه می‌شود که شاعر با بیان تفکر و موضع‌گیری خود و هم‌اندیشانش (ما) و هم‌سنگرانش در خصوص پیوند میان دفاع مقدس و وقایع دلخراش عاشورا، به تعلیم غیرمستقیم خوانندگان و ترغیب و تحریض آنان به مسائل مورد نظر (همانند پیروی از امام حسین (ع)، ادامه دادن نهضت آن حضرت و همچون ابوالفضل العباس (ع)، جان‌فشانی و از خودگذشتگی در راه تبعیت از امام و ...) می‌پردازد. در شواهد زیر هم با تلمیح به قرآن کریم، رفتن به میدان جنگ را وظیفه دینی و مبارزه با بعثیان را جهاد با دشمنان قرآن توصیف می‌کند تا خواننده را به‌طور مؤثر بر این امر پسندیده برانگیزد:

وقت است تا اراده میدان کنم	عزم جدال دشمن قرآن کنم
آرم برون ز چنگ هریمن نگین	آزاد تخت بخت سلیمان کنم
از مصر جان به جانب کنعان روم	رفع رمد ز رهبر کنعان کنم
تا نفس را به بند گران درآورم	یاد از ترنج و یوسف و زندان کنم...

(محمودی، ۱۳۶۴: ۴۸)

۳-۲-۳- تعلیم در قالب شرح احوال و بیان کردار دیگران: در این بخش از

سروده‌ها نیز - همانند بخش قبل - شاعر به‌طور غیرمستقیم مسائل و موضوعات مورد نظر خود را به خوانندگان تعلیم می‌دهد. او با شرح حال و وصف خصال کسانی که از صفات نیک و رفتار پسندیده برخوردارند و موضع‌گیری‌ها و اعمال و کردارشان در موقعیت‌های مختلف، مخاطب را به پیروی از آنان و متخلق شدن به خلق و خوی ایشان برمی‌انگیزد؛ مانند:

این طرفه مردانی که خصم خوف و خواب‌اند	بر خلق ظلمت خنجر تیز شهاب‌اند
نیلوفر عشق‌اند و با شوق شهادت	گرد نهال سبز حق در پیچ و تاب‌اند
جوشنده رودی پاک از سرچشمه خلق	سوی لقاءالله جاری با شتاب‌اند
یار وفادار رسول عصر خویشتش‌اند	عمار وش، بوذر منش، حیدر مآب‌اند
بغض‌گدازان هزاران نسل دربند	آتشفشان شیعه را خشم مذاب‌اند
در اوج ایمان پاسدار نهضت حق	شان نزول آیه‌های انقلاب‌اند

(کیانپور، ۱۳۸۳: ۸۲)

در این شیوه همیشه و به‌طور یک‌دست از افراد غایب و اعمال و اوصاف آنان برای آموزش و ترغیب خواننده استفاده نمی‌شود تا بتوانیم کاربرد افعال و ضمائر سوم شخص (اعم از جمع و مفرد) را به‌عنوان نشانه دستوری و ساختاری آن قلمداد کنیم؛ بلکه شاعر گهگاه از زاویه دید دوم شخص استفاده می‌کند و با مخاطب ساختن کسی و نسبت دادن اعمال و خصلتی شایسته به او، تعلیم و تشویق خود را عملی می‌سازد. برای مثال «طاهره صفارزاده» در قطعه زیر با توصیف فضایل و برشمردن اعمال عبادی مخاطب، درواقع نشانه‌های عبودیت و الگو بودن و راه‌های رسیدن به بندگی خاص و خالص خداوند را به خواننده گوشزد می‌کند:

سلام بر صدای ناب تو در تکبیر / سلام به لبان پاک تو در تسبیح / سلام بر یقین تو
در تهلیل / سلام به خضوع تو در تحمید / سلام بر رکوع تو در تسلیم / سلام بر قنوت تو

در وتر / سلام بر قیام تو در گیتی / سلام بر یگانگی اقتدار / سلام بر تولا (صفارزاده، ۱۳۸۶: ۵۶).

در این بخش نیز به پیروی از پیر و ولی به عنوان راهی برای گذر از هفت‌خوان اهریمن نفس و تسلیم نشدن در برابر سختی‌ها و شداید و پاسداری از دین و ارزش‌های معنوی توجه و توصیه شده است:

پیداست در آیینۀ شب‌زنده‌داران	نور ولایت از بر و بام جماران
چون پرتو شمع ولا در جانشان است	محکم ز پیمان بلی، ایمانشان است
گر هفت‌خوان اهرمن در پیش دارند	مهد ولا دارند و سر در پیش دارند

(سبزواری، ۱۳۶۸: ۷۶)

گر دلیران جانباز ایران‌زمین	هژبران جنگ‌آور روز کین
همان سخت‌کوشان گردن‌فراز	ز ایمان به ایثار جان پیش‌تاز
دگر پاسداران دشمن‌شکار	که جان می‌کنند از پی حق‌نثار
که اینان ز آب و گل دیگرند	نگهبان دین، پیرو رهبرند
ز کس جز خداوندشان بیم نیست	به فرهنگشان حرف تسلیم نیست

(شاهرخی، ۱۳۶۷: ۲۳۴)

در میان اشعار تعلیمی انقلاب و دفاع مقدس علاوه بر سه قسم یاد شده، شیوه چهارمی هم می‌توان در نظر گرفت که از تلفیق روش‌های مذکور حاصل می‌شود اما کاربرد آن نسبت به شیوه‌های سه‌گانه بسیار اندک است. برای آشنایی با این شیوه به دو مورد اشاره می‌شود.

در منظومه‌ای از محمود شاهرخی، فعل امر «بنگرید» در مقام ردیف قرار گرفته است؛ یعنی با تکرار مداوم خود در انتهای هر بیت و سخنی، به خواننده هشدار می‌دهد و او را به پندپذیری و اندرزگیری از مطالب و موضوعات مطرح در هر بیت فرامی‌خواند:

صاحب دلان به عرصهٔ پیکار بنگرید
 یک ره به جبهه از سر عبرت نظر کنید
 بر عاکفان کوی شهادت گذر کنید
 آن فارسان عرصهٔ تجرید و زهد را
 اهل وصال را شب آدینه تا به صبح
 اما به روز برق ستم‌سوز قهرشان
 و آنجا عیان تجلی دلدار بنگرید
 تا جبهه را مشارق انوار بنگرید
 بر عاشقان طالب دیدار بنگرید
 فارغ ز قید اندک و بسیار بنگرید
 هم‌راز با کمیل علی‌وار بنگرید
 چونان شرر به خرمن اشرار بنگرید^۶
 (همان: ۲۳۱)

این سروده از آن جهت که خواننده را با جملات امری به نگرستن و تأمل در مطالب و ویژگی‌های مورد نظر وامی‌دارد، تعلیم مستقیم (شیوهٔ نخست) به شمار می‌آید و از آن جهت که مباحث مورد تأکید و تعلیم را «در حدیث دیگران» و ذکر حال رزمندگان بیان می‌کند، تعلیم غیرمستقیم (به شیوهٔ سوم) محسوب می‌شود. در مثال زیر نیز به همین صورت تعلیم مستقیم و غیرمستقیم (شیوهٔ اول و سوم) در هم آمیخته، با این تفاوت که در آن از فعل «نگر»، دوم شخص مفرد، به‌عنوان ردیف استفاده شده و مباحث دیگری مورد تعلیم و مدنظر قرار گرفته است:

خورده‌اند این خانه‌پردازان می از جام ولا
 سرخوش این احرار را از شور آن صهبا نگر
 یافتند این قوم ز انفاس ولایت زندگی
 نفخهٔ روح‌الهی چون دم عیسی نگر
 زنده آن صاحب دلان را از دم جان‌بخش پیر
 آن مراد و مقتدا و آن آیت کبری نگر
 چون ولی فرمان دهد آن سالکان راه را
 جمله را گویای «آمنّا و صدقنا» نگر
 (شاهرخی، ۱۳۶۷: ۱۵۵)

۴- شگردهای شاعران برای باوراندن و برانگیختن مخاطب

سرایندگان دفاع مقدس از شگردهای شاعرانه و هنرهای سخنورانهٔ مختلفی برای افزایش تأثیر و نفوذ کلامشان در مخاطبان و اقناع و ترغیب آنان به تعالیم و آموزه‌های

مورد نظر خویش بهره برده‌اند. در این جا برخی از مؤثرترین و مهم‌ترین آن‌ها بررسی می‌شود.

۴-۱- استناد به کلام الهی: تلمیح به قرآن و تضمین از آیات و سور شریف آن در شعر دفاع مقدس و انقلاب کاربرد فراوان دارد.

چون جغد مگو دریغ بر خاک شهید بس کن سخن از سینه صدچاک شهید
در هودج نور رفت تا بزم «ملیک» از دامن خاک پیکر پاک شهید
(سبزواری، ۱۳۶۸: ۴۶۷)

همان‌طور که ملاحظه می‌شود بارزترین ویژگی این شعر تضمین از آیه ۵۵ سوره مبارکه قمر (فی مقعد صدق عند ملیک مقتدر) است.

استشهاد به آیات قرآنی - به‌عنوان یکی از راهکارهای شاعران برای مستند کردن سخنان و بالا بردن تأثیر کلام خویش - در ابیات زیر نیز به چشم می‌خورد:

آنان که حلق تشنه به خنجر سپرده‌اند آب حیات از لب شمشیر خورده‌اند
بار امانتی که فلک برتافتش بر دوش جان نهاده، در این راه برده‌اند
هر چند شاخه‌های ز طوفان شکسته‌اند هر چند شعله‌های به‌ظاهر فسرده‌اند
روزی خوران سفره عشقند تا ابد این زندگان خاک مگویند مرده‌اند
(حسینی، ۱۳۸۷: ۱۵۶)

در این ابیات علاوه بر آیه ۷۲ از سوره مبارکه احزاب مشهور به «آیه امانت» به آیات دیگری هم استشهاد شده که بارزترین آن‌ها آیه ۱۵۴ سوره بقره «ولاتقولوا لمن یقتل فی سبیل الله امواتاً بل احياء ولکن لاتشعرون» و آیه ۱۶۹ سوره مبارکه آل عمران «ولا تحسبن الذین قتلوا فی سبیل الله امواتاً بل احياء عند ربهم یرزقون» است.

در منظومه زیر هم از همین صنعت برای تهییج رزمندگان و جوانان به مبارزه حیدرصفت با دشمن استفاده شده است:

صفین دیگری شده بر پا و من
فرمان «جاهدوا» که بود رهنمون
«والنجم» خوان سلاح به کف اندرم
«والفجر» «والضحی» به دیار عدم
«یا ایها المدثر قم» را کنون
زید که عزم حضرت حیدر کنم
در گوش دل بخوانم و از بر کنم
تا خوار و زار خصم بداختر کنم
نک رهسپار دشمن کافر کنم
در مقطع قصیده خود سر کنم
(محمودی، ۱۳۶۴: ۱۱)

۴-۲- یادآوری قیام کربلا: نهضت حسینی و واقعه عاشورا بخش بسیار مهم و لایتجزای تاریخ و فرهنگ شیعی است و به همین دلیل در آثار ادبی این مرز و بوم- به ویژه از قرن دهم به بعد- بازتاب قابل توجهی داشته است اما در شعر دفاع مقدس گسترشی فوق‌العاده می‌یابد و علاوه بر کمیت، چگونگی طرح و ترویج آن نیز با ادوار گذشته متفاوت می‌شود و کیفیتی تازه پیدا می‌کند.

«عاشورا یکی از رویدادهای مهم محتوایی شعر جنگ است. نهضت عاشورا در فرهنگ و ادبیات ایران جایگاهی ویژه دارد. اشعاری که با این محتوا سروده شده است، گاه خود انقلاب عاشورا و گاه یکی از شهدای این نهضت را مطرح می‌کند و گاهی وقایع نهضت عاشورا را با یکی از رویدادهای دفاع مقدس منطبق می‌کند. سر فصل و نقطه عطف موضوعات حماسی شعر انقلاب، عاشوراست. نه تنها اندیشه و آرمان عاشورایی بلکه نمادهای عاشورایی و تشبیه سمبلیک رزمندگان آن در تهییج جوانان آرمان‌خواه و شهادت طلب نقش اساسی داشته است. به‌طور خلاصه عاشورا و ارزش‌های عاشورایی همچون زیارت کربلا، مرگ سرخ، سازش‌ناپذیری، عدم بیعت با ستم و ستمگران، اعتقاد به مبارزه به‌عنوان یک وظیفه نه یک وسیله و سایر جلوه‌های نورانی عاشورا از شاکله‌های محوری شعر انقلاب محسوب می‌شود» (مکارمی‌نیا، ۱۳۸۲: ۶۲).

شاعران این دوره، انقلاب اسلامی و دفاع مقدس را ادامه طبیعی و تاریخی نهضت

کربلا معرفی می‌کنند و خود (و رزمندگان) را وارث فرهنگ عاشورا و مسئول انتقام شهدای نینوا می‌دانند و بدین وسیله این دو واقعه تاریخی را به هم گره زده، با هم عجین می‌سازند:

الا وراثت میدان نینوا با ماست	که انتقام شهیدان کربلا با ماست
سخن ز رجعت سرخ است و ز طلایه خون	ز دشت سرخ هویداست آیه آیه خون
	(سبزواری، ۱۳۶۸: ۹۴)
نهضت ما نهضت خونبار دشت کربلا	قصه ما قصه دنباله‌دار زینب است
بشکفید ای سرخ گل‌های حسینی، بشکفید	فصلتان یادآور فصل بهار زینب است
خاک ایران کربلا شد فصل فصل کشت خون	هر حسینی مذهب اینجا لاله کار زینب است
	(جمالی، ۱۳۶۳: ۲۳)

«در ارادت شاعران انقلاب نسبت به معصومین به ویژه حضرت امیر (ع) و حضرت سیدالشهدا (ع) جای هیچ شک و شبهه‌ای نیست. به خصوص سرداران حماسه خونین عاشورای حسینی که در مبارزه علیه ظلم و ستم سرمشق مردم ایران بوده‌اند. شیعه از بدو تولد در پی عدالت‌خواهی و ولایت‌مداری بوده است. همین دل‌بستگی‌ها کافی بود تا در سراسر تاریخ، گروه کج‌اندیشان و نامردان با آن‌ها سر ستیز داشته‌باشند و این چنین بود که تاریخ شیعه، تاریخ خون و حماسه و قیام نام گرفته است» (علایی، ۱۳۸۷: ۲۲۵).

جنگ تحمیلی و هشت سال دفاع مقدس نیز بخشی از واقعیت همین تاریخ خونین و یکی از رویدادهای حماسی آن است که عبرت‌های خاص خود را دارد و درس‌های بی‌شماری می‌توان از آن گرفت.

زخم‌آلوده دل از دشت بلا می‌آید	بوی خون از نفس کرب و بلا می‌آید
عاقبت سلسله شام نگون خواهد شد	آفتابی دگر از سایه لا می‌آید...
کربلا را خبر مرگ سواران سکوت	هر دم از حنجره امت ما می‌آید
	(بیابانگرد، ۱۳۸۴: ۲۱۲)

علاوه بر نهضت حسینی، پیروی از دیگر امامان شیعه، خصوصاً حیدر کرار (ع) نیز مورد تعلیم و تأکید شعرای دفاع مقدس قرار گرفته است. تشیع مکتبی مبارز، انتقادگر، سرزننده و پویاست، امامان شیعه در سازش‌ناپذیری با اربابان زر و زور و حاکمان جورپیشه، الگو و زبانزد خاص و عام‌اند. رزمندگان اسلام به تاسی و تبعیت از امامان خود، در جبهه‌های نبرد حق علیه باطل با دشمن متجاوز تا پای جان می‌جنگیدند و در این مورد کوچک‌ترین ترس و تردیدی به خود راه نمی‌دادند. این موضوع در شعر دفاع مقدس بازتاب گسترده‌ای یافته است که خود می‌تواند یکی از درس‌های مهم و تعلیمات پررونق آن به شمار آید.

تا بر لب خویش نام حیدر داریم کی بیم ز دشمن ستمگر داریم
از مهر علی و یازده فرزندش ما گرد دیار خویش سنگر داریم
(سبزواری، ۱۳۶۸: ۴۵۷)

گاه شاعر انقلاب برای تحقق تعلیماتش، به توضیح و تبیین پیوند و ارتباط موجود میان دفاع مقدس و غزوات مسلمانان صدر اسلام با کفار می‌پردازد. در ابیات زیر موسوی گرمارودی با استادی و هنرمندی، دفاع مقدس را نه تنها با صدر اسلام که با جهاد و مبارزات تمام انبیای الهی و پیروان موحد آنان علیه کفار و مشرکان پیوند می‌دهد:

ما از تبار پاک هابیل زمانیم امروز می‌جنگیم تا فردا بمانیم
امروز شمشیر پیمبر در کف ماست پیکار ما با مشرکان با بولهب‌هاست
یک روز آتش بود و نمرودی برافروخت می‌خواست ابراهیم سوزد، خویشتن سوخت
روز دگر فرعون با موسی درآویخت حق در هلاکش آب دریا را برانگیخت
یک روز هم دیوانه‌ای با فیل آمد او را هم از سوی خدا سجیل آمد
زنجیره تاریخی این جنگ دور است بیچاره دشمن کی تواند دید، کور است
(موسوی گرمارودی، ۱۳۷۷: ۲۲۱)

۴-۳- سایر فنون زبان و بیان: بارزترین ویژگی زبانی در این تعلیمات سادگی و زودفهمی آن‌هاست. استفاده از برخی فنون بیان و آرایه‌های ادبی نیز به دشواری و دیریابی سروده‌ها نمی‌انجامد. همچنان که ملاحظه شد شاعر انقلاب و دفاع مقدس با درج متون دینی و بهره‌گیری از تلمیحات مذهبی می‌کوشد تأثیر تعالیم و آموزش‌های مورد نظر خود را افزایش دهد، در حالی که این عوامل به پیچیدگی زبان سروده‌هایش منجر نمی‌شود. در ابیات زیر شاعر ضمن بهره‌گیری از مطالب یاد شده، لحن و بیان کلامش را با محتوای آن متناسب و هماهنگ ساخته است؛ بدین ترتیب که او به جای امر و نهی، از جملات خبری شوق‌انگیز و رغبت‌افزا برای متأثر و متعلم ساختن خوانندگان و اثربخشی به تعلیم خویش سود جسته است:

ای مادر شهید تو می‌دانی	فرزند تو کشته میدان است
بر سفره شهادت و جانبازی	نزد حسین و فاطمه مهمان است
تو پیرو سکینه و لیلایی	زینب برای صبر تو میزبان است
تو اسوه شهامت و ایمانی	فرزند تو فدایی قرآن است

(محدثی، ۱۳۸۸: ۲۵۹)

گاه شاعر با روی آوردن به شعارهای همگانی و روزمره تلاش می‌کند زبان شعر و تعلیمش را به زبان توده مردم و محاوره نزدیک‌تر سازد تا با اقبال بیشتری از مردمان مواجه گردد:

از دست منه تفنگ تا پیروزی	نگ است دمی درنگ تا پیروزی
دانی چه بود پیام یاران شهید؟	این است که: «جنگ جنگ تا پیروزی»

(محمودی، ۱۳۶۴: ۶۰)

کاربرد این شگرد و به‌طور کلی انعکاس مسائل انقلاب و جنگ تحمیلی، همیشه و در تمام سروده‌های این دوره، مانند بسیاری از شواهد پیشین، هنرمندانه و استادانه

صورت نمی‌گیرد؛ بلکه در برخی از سروده‌ها ضمن تازگی بخشیدن به شعر و منطبق ساختن آن با واقعیات زمانه، باعث محدود و مقطعی شدن سروده می‌گردد و آن را از پایگاه یک هنر اصیل همه‌جایی و همه‌گاهی، به مرتبه شاعرگونگی و گزاره‌های گذرا و غیر هنری تنزل می‌دهد؛ مانند

بی‌بین رزم شورآفرینان کرد
 یلان دلیر مسلمان گردد
 نگوید کس از مهر صدام را
 همان دیو برگشته ایام را
 که ای بیخرد مرد بیهوده‌گو
 کزین جنگ بردی ز خود آبرو
 (شاهرخی، ۱۳۶۷: ۲۳۰)

بی‌گمان موضوعات، شیوه‌ها و شگردهای به کار رفته در شعر دفاع مقدس با کارکرد تعلیمی، بسی فراتر از موارد یاد شده است که پرداختن به همه آن‌ها گستره‌ای گسترده‌تر از یک مقاله می‌طلبد. برای مثال در ابیات زیر هم مواردی چون «وانهادن امور به خداوند»، «راضی به رضای حق شدن»، «زیر بار ننگ نرفتن» و «ثابت‌قدم بودن بر سر عقیده و ایمان خود تا پای جان» و نهایتاً «نیل به کمال مطلوب و مرتبه وصال و لقاءالله»، تبلیغ و توصیه شده است. خسرونژاد می‌سراید:

آنان که کار خود به خدا واگذاشتند
 عیسی صفت به اوج فلک پا گذاشتند
 یک گام بی‌رضای خدا برنداشتند
 پیشانی ولا به مصلی گذاشتند
 تن زیر بار ننگ ندادند و از جهان
 رفتند و نام نیک معلی گذاشتند
 پروای جان نکرده و گفتند حرف خویش
 جان در ره عقیده خود تا گذاشتند
 واصل به حق شدند ولی داغ انتظار
 آن عاشقان حق به دل ما گذاشتند
 (خامه خونین، ۱۳۶۸: ۱۷۹)

«وانهادن امور به خداوند» که در بیت اول غیرمستقیم به خواننده توصیه می‌شود، یادآور مقام «توکل» در سلوک صوفیه است؛ همچنین است «رضا، وصال و فنا» در ابیات دیگر این

منظومه. در بیت سوم (تن زیر بار ننگ ندادند...) بیگمان شاعر به عبارت تاریخی سیدالشهدا (هیئات من الذله) نظر داشته است. این موارد حاکی از آن است که شاعر انقلاب و دفاع مقدس برای متقاعد کردن خواننده و برانگیختن او بر مطلوب و مقصود از تمام ذخایر و امکانات معنوی من جمله عرفان و قرآن و روایات و ... بهره می‌جوید.

نتیجه

شعر دفاع مقدس از طرفی شعر جنگ است و ماهیت حماسی دارد، از طرف دیگر به دلیل دفاع از مقدسات (وطن، نظام اسلامی، آرمان‌های دینی و انقلابی) ماهیت آیینی پیدا می‌کند. ستم‌ستیزی اولیا و اهل بیت (س) در اوج مظلومیت و رسالت‌شان در دفاع از آرمان‌های اسلام راستین و ارزش‌های اصیل انسانی، تاریخ تشیع و اشعار آیینی آن را از عنصر اندوه و عاطفه سرشار و از چاشنی آموزش و اخلاق برخوردار نموده است. از این رو شعر دفاع مقدس تلفیقی از لایه‌های حماسی و غنایی و رگه‌های تعلیمی است که جنبه‌های تعلیمی آن به صورت رشته‌هایی باریک در تار و پود درونی و لایه‌های زیرین سخن قرار دارد و با تأمل و تعمق و گذر از سطوح اولیه حماسی و غنایی دریافت و ملاحظه می‌شود. البته زبان ساده این اشعار درک و دریافت پیام‌های آموزشی آن را - هر چند به صورت رگه‌های باریک و ناپیدا باشند- به آسانی میسر می‌سازد و آمیختگی تعلیم و آموزش با غنا و حماسه به جذابیت آن افزوده و از خستگی خواننده و بیزاری ناشی از اندرز صرف و یکنواخت جلوگیری می‌کند.

پی‌نوشت‌ها

۱- استقبال از زخم و غم و درد عشق که در ابیات بالا مطرح شده، یکی دیگر از مباحث پرکاربرد در عرفان عاشقانه است که با موضوع از خود گذشتگی ارتباط تنگاتنگ دارد؛ چنان‌که

خواجه راز می‌گوید:

دست از مس وجود چو مردان ره بشوی تا کیمیای عشق بیایی و زر شوی
(حافظ، ۱۳۷۲: ۳۹۸)

عطار این درد را بر همه چیز حتی کفر و ایمان ترجیح می‌دهد:

کفر کافر را و دین دیندار را ذره‌ای درد دل عطار را
(عطار، ۱۳۸۵: ۲۴۰)

و سعدی با بیانی لطیف می‌گوید:

المنه لله که دلم صید غمی شد کز خوردن غم‌های پراکنده برستم
(سعدی، ۱۳۸۲: ۵۵۴)

۲- حد اعلی و اکمل این مطلب گذشتن از خود و ترک انانیت است که از امور مطرح و پرکاربرد در مکاتب و مشارب معنوی خصوصاً عرفان و تصوف است. برای مثال سنایی غزنوی آن را مهم‌ترین مرحله، بلکه تنها قدم برای وصال و کمال مطلوب معرفی می‌کند:

دو قدم بیش نیست این همه راه راه نزدیک شد سخن کوتاه
یک قدم بر سر وجود نهی وان دگر بر در ودود نهی
(سنایی، ۱۳۸۵: ۲۱۹)

مولانا هم در مثنوی شریف خود آن را تنها شرط ورود به بارگاه کبریایی حق تعالی می‌داند:

هیچ کس را تا نگردد او فنا نیست ره در بارگاه کبریا
(مولوی، ۱۳۶۹، ۶: ۳)

اندیشه‌ها و مضامین عرفان و تصوف در شعر انقلاب و دفاع مقدس چنان گسترده است که بررسی آن مقاله و بلکه رساله‌ای پر حجم و جداگانه می‌طلبد؛ به همین دلیل در اینجا تنها به ذکر چند شاهد در خصوص پیروی از پیر، همت خواستن از باطن اولیا و برپای داشتن نماز عشق (با لحنی قلندرانه) بسنده می‌شود که در آن‌ها مستقیماً خواننده را به انجام امور مورد نظر فرامی‌خواند و خیر و صلاح را به او تذکر می‌دهد:

ای صبا گر به خراسان گذری بهر ظهیر
همتی جز ز دم شاه غریبان مطلب
(احمدی خراسانی، ۱۳۸۵: ۱۵)

برخیز و مشتاقانه بر محراب رو کن
در چشمه سار صبح تجدید وضو کن
سجاده را در برکه خون شست و شو کن
وقت نماز عشق شد رو سوی او کن
(سبزواری، ۱۳۶۸: ۱۱۶)

در بیت زیر پیروی از ولی و پیر با موضوع اخلاقی وفاداری به عهد و پیمان آمیخته شده است:
امر است پیمان با ولی ستوار بستن
فرض است فرمان ولی را کار بستن
(همان: ۲۰۶)

در مجموع عرفان مطرح در این اشعار، عرفانی پویا و مانند اغلب آثار رایج در ادبیات عرفانی ما، نشأت گرفته از عرفان ایرانی-اسلامی و مبتنی بر واقعیت و متکی بر جهد و کوشش است که جنبه تعلیمی نسبتاً قوی و بارزی مبنی بر واداشتن خواننده به حرکت و تلاش و نفی رخوت و رکود و تنبلی دارد:

مارا گزیدی، جز که آهنگ سفر نیست
عزم سفر کن فرصت بوک و مگر نیست
(سبزواری، میرجعفری، ۱۳۷۶: ۱۲۴)

ای گم! از اختر شبگرد چراغی بر کن
جهد جامی کن و از لاله ایاغی بر کن
(معلم، ۱۳۷۶: ۱۶۱)

۳- موضوع گذشتن از جان و جهان یکی از پرکاربردترین موضوعات و مطالب رایج در شعر انقلاب و دفاع مقدس است که به شیوه‌ها و مناسبت‌های مختلف مطرح شده است؛ مانند موضوع استقبال از جانبازی و افتخار به آن در بیت زیر:

من جانباز به جانبازی خود مفتخرم
باز هم منتظر رخصت آن منتظرم
(سیف، ۱۳۷۸: ۵۶)

تا جایی که «شمس»، شاعر انقلاب، به درستی معتقد است بدون از خودگذشتگی و شهادت طلبی، تاریخ پس از حماسه کربلا و جانبازی و ایثارگری امام حسین (ع) و یاران صدیقش، عقیم و سترون خواهد ماند:

در مزرعه سترون تاریخ
ای خاک غریب کربلا لیبیک
می‌لاد شگفت لاله‌ها ما ایم
با راییت سرخ عشق می‌آیم
(شمس، ۱۳۶۷: ۲۱)

۴- مثنوی شریف مولانا سرشار از این گونه مضامین، با رویکرد عرفانی و بیانی لطیف و روح‌افزاست که نمونه‌هایی از آن نقل می‌شود:

ما بها و خونبها را یافتم
ای حیات عاشقان در مردگی
جانب جان‌باختن بشتافتیم
دل نیایی جز که در دلبردگی
(مولانا، ۱۳۶۹، ۲/۱ و ۱۷۶۱)

کی شود گلزار و گندم‌زار این
کی شود بوستان و کشت و برگ و بر
تا نگردد زشت و ویران این زمین؟
تا نگردد نظم او زیر و زبر؟
هر بنای کهنه کآبادان کنند
تا نکوبی گندم اندر آسیا
نه که اول کهنه را ویران کنند؟
کی شود آراسته زان خوان ما؟
(همان: ۴/ ۲۳۴۵)

مرگ پیش از مرگ امن است ای فتی
گفت: موتوا کلکم من قبل ان
این چنین فرمود ما را مصطفی
یأتی الموت تموتوا بالفتن
(مولانا، ۱۳۶۹: ۴/ ۴ و ۲۳۷۳)

۵- اشاره دارد به حدیث: «انا عند منکسرة قلوبهم» و «لایسعی ارضی و لاسمائی و یسعی قلب عبدی المؤمن».

۶- یادآور آیه ۲۹ از سوره مبارکه الفتح است: «اشداء علی الکفار و رحماء بینهم».

منابع

۱- قرآن کریم.

۲- احمدی خراسانی، محمد. (۱۳۸۵). *ارمغان شعر شیعه*. تهران: میزان.

- ۳- اسپوزیتو، جان. (۱۳۸۰). *ادبیات ملل مسلمان*. ترجمه نصرت محمودی و همکاران. تهران: کنگره.
- ۴- امین پور، قیصر. (۱۳۶۳). *از تنفس صبح*. تهران: مروارید.
- ۵- ----- (۱۳۷۸). *گزینه اشعار*. تهران: مروارید.
- ۶- بیابانگرد، عادل. (۱۳۸۴). *دشت بلا*. سوره مهر. شماره ۴۴، ص. ۳۳۱.
- ۷- جمالی (مذنب)، محمدخلیل. (۱۳۶۳). *... که عشق مجنون است*. شیراز: نوید.
- ۸- حافظ، شمس‌الدین محمد. (۱۳۸۸). *دیوان اشعار*. ابوالقاسم انجوی شیرازی. تهران: جاویدان.
- ۹- حسینی، حسن. (۱۳۸۷). *هم صدا با حلق اسماعیل*. تهران: سوره مهر.
- ۱۰- سبزواری، حمید. (۱۳۶۸). *سرود سپیده*. تهران: کیهان.
- ۱۱- *خامه خونین عشق*. (۱۳۶۸). تهران: وزارت ارشاد اسلامی.
- ۱۲- سعدی، مصلح‌الدین. (۱۳۸۲). *کلیات سعدی*. تصحیح محمدعلی فروغی. تهران: زوار.
- ۱۳- سنایی، مجدودبن آدم. (۱۳۸۵). *دیوان اشعار*. به اهتمام پرویز بابایی. تهران: نگاه.
- ۱۴- سنگری، محمد رضا. (۱۳۸۰). *نقد و بررسی ادبیات دفاع مقدس*. تهران: بنیاد حفظ آثار.
- ۱۵- سیف، غلامرضا. (۱۳۷۸). *اهل ولا*. قلم مهر، شماره ۱. شیراز: انجمن علمی ادبیات فارسی دانشگاه پیام نور شیراز، ص. ۱۶.
- ۱۶- شاهرخی، محمود. (۱۳۶۷). *مجموعه اشعار جنگ*. تهران: سپهر.
- ۱۷- شمس، فریدون. (۱۳۶۷). *رایت عشق*. *اهورایی*، شماره ۱. شیراز: ستاد شاهد و ایثارگر دانشگاه پزشکی شیراز، ص. ۲۱.

- ۱۸- صفارزاده، طاهره. (۱۳۸۶). *طنین بیداری*. تهران: نگاه.
- ۱۹- عطار، فریدالدین محمد. (۱۳۸۵). *منطق الطیر*. تصحیح محمد رضا شفیعی کدکنی. تهران: سخن.
- ۲۰- علایی، سعید. (۱۳۸۷). *جریان‌شناسی شعر انقلاب اسلامی*. تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- ۲۱- کیانپور، حسین. (۱۳۸۳). *آیه‌های انقلاب*. سوره مهر. شماره ۳۹. تهران: ص. ۸۲.
- ۲۲- محدثی خراسانی، زهرا. (۱۳۸۸). *شعر آیینی و تأثیر انقلاب اسلامی بر آن*. تهران: مجتمع فرهنگی عاشورا.
- ۲۳- محقق، جواد. (۱۳۸۷). *شکفتن در آتش*. تهران: اردیبهشت.
- ۲۴- محمدی، جلال (گلچین). (۱۳۷۹). *معراج خلیج*. *اهل دل*، شماره ۲. شیراز: انجمن اسلامی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شیراز، ص. ۲۳۲.
- ۲۵- محمودی، ثابت (سهیل). (۱۳۶۴). *دریا در غدیر*. تهران: سازمان تبلیغات اسلامی.
- ۲۶- مرادی، علی محمد. (۱۳۶۵). *شعر انقلاب*. تهران: وزارت ارشاد اسلامی.
- ۲۷- مردانی، نصرالله. (۱۳۷۴). *سمند صاعقه*. تهران: سازمان تبلیغات اسلامی.
- ۲۸- مکارمی‌نیا، علی. (۱۳۸۳). *بررسی شعر دفاع مقدس*. تهران: ترفند.
- ۲۹- موسوی گرمارودی، علی. (۱۳۷۷). *قلم‌انداز*. تهران: سروش.
- ۳۰- مولوی، جلال‌الدین محمد. (۱۳۶۹). *مثنوی*. تصحیح محمد استعلامی. تهران: زوار.
- ۳۱- میرجعفری، اصغر. (۱۳۷۶). *حرفی از جنس زمان*. تهران: قو.
- ۳۲- یلمه‌ها، احمدرضا. (۱۳۹۰). *بررسی تطبیقی اشعار تعلیمی فردوسی و حافظ*. فصلنامه پژوهشنامه ادبیات تعلیمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد دهقان، سال سوم، شماره یازدهم، ص.ص. ۱۷۵-۱۵۳.

